

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصرنویسن

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و ...

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نمایه مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۸/۹۷۴۱۴ رده بندی کنکره: ج ۷۸/۶۷۰

نقش مدیریت بحران در کاهش تأثیر سوانح و حوادث شهری

مریم جعفری

دبیر ریاضی آموزش و پرورش استان تهران

چکیده

مدیریت بحران به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه های برنامه ریزی شهری، نقش حیاتی در کاهش خسارات و آسیب پذیری شهرها دارد. برنامه ریزی و ایجاد واحدهای مدیریت بحران در حوزه مدیریت شهری، امکان پیش بینی، مقابله و کاهش تأثیر سوانح و بحران ها را فراهم می کند. با این حال، برخی بحران ها، مانند ریزگردها در استان های خوزستان و سیستان و بلوچستان یا بحران آب در استان اصفهان، فراتر از توان و امکانات دستگاه های شهری هستند و نقش مدیران شهری در چنین شرایطی گاه مبهم است. به عنوان مثال، بحران منابع آب کشور در برخی تصمیم گیری ها برای توسعه خودکفایی محصولات کشاورزی، بدون توجه به مصرف و بهره وری آب، پنهان می ماند. در این پژوهش با هدف بررسی نقش مدیریت واحد بحران در کاهش آسیب پذیری شهرها در سوانح شهری، از روش تحقیق تحلیلی-توصیفی و منابع کتابخانه ای و فیش برداری استفاده شده است. پژوهش حاضر به بررسی مفاهیم بحران، رویکردهای نظری مدیریت واحد بحران و نقش آن در کاهش آسیب های شهری پرداخته و در پایان با ارائه پیشنهاداتی کاربردی، راهکارهایی برای بهبود آمادگی و کاهش آسیب پذیری شهرها ارائه شده است.

واژگان کلیدی: مدیریت بحران، سوانح شهری، آسیب پذیری شهرها، بحران های شهری، زلزله



بخش اول: بررسی و شناخت مفهوم بحران

بحران مفهومی چندبعدی است که می‌توان آن را نتیجه برهم خوردن تعادل میان نیازها، امکانات و توانایی‌های یک سیستم زنده و پویا در نظر گرفت. بحران‌ها می‌توانند به شکل حوادث ناگهانی، مانند حادثه پلاسکو یا زلزله، یا بحران‌های تدریجی و بلندمدت مانند کمبود منابع آب نمود پیدا کنند. در هر دو حالت، ناتوانی در پیشگیری و مدیریت تبعات بحران، پیامدهای گسترده‌ای برای شهرها و کشورها به همراه دارد. از منظر مدیریت شهری، بحران‌ها اغلب ناشی از عدم تعادل میان نیازهای رو به گسترش شهری و افزایش دانش درباره کاستی‌ها از یک سو و محدودیت امکانات و ضعف‌های مدیریتی از سوی دیگر هستند. فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر سهم حوادث طبیعی و غیرطبیعی در ایجاد بحران‌ها را به ترتیب زیر گزارش کرده است:

- طوفان‌ها و سیل‌ها: ۲۴٪ هر کدام
- زلزله: ۱۳٪
- بیماری‌ها و مخاطرات بهداشتی و کمبود غذا: ۸٪
- انفجارها و آتش‌سوزی‌ها: ۶٪
- حوادث صنعتی: ۵٪
- بی‌ثباتی‌های اجتماعی و سیاسی: ۵٪
- پناهندگی: ۴٪
- برف و یخبندان: ۳٪
- رانش زمین و آتشفشان‌ها: ۳٪ هر کدام

مدیریت واحد بحران مترادف واژه انگلیسی Tact، به معنی توانایی درک موقعیت، حساسیت اوضاع و احوال، با توجه به وضعیت، به بهترین وجه ممکن می‌باشد (Wegner, ۱۹۷۸: ۲۶). به عبارت دیگر مدیریت واحد بحران عبارت است از نظام و حرفه کاربرد دانش فن آوری، برنامه‌ریزی و مدیریت جهت مقابله با حوادث غیر مترقبه. بدیهی است چنانچه مدیریت علمی و



عملیاتی مناسب در برخورد با حوادث غیر مترقبه موجود نباشد خسارت های انسانی ناشی از بلایا چندین برابر خواهد بود (عنبری، ۱۳۸۳: ۱۳۶). مدیریت بحران همچون مفهوم بحران، از منظرهای گوناگون مورد تعریف واقع شده است. گستره مفهومی - تعریفی این واژه بسیار گسترده و در برگیرنده هر تمهیدی برای پرهیز از بحران، جستجوی اندیشمندانه بحران و خاتمه و مهار بحران در راستای تأمین منافع ملی و ... است. از طرف دیگر می توان گفت، مدیریت واحد بحران هنری است که از رهگذر آن، برنامه ریزان و مدیران، نقش تعیین کننده خود را در حضور و غیابشان، به نمایش بگذارند (۲۱۱: ۲۰۰۶، Meo& Pathranakul).

به این ترتیب مدیریت واحد بحران را می توان شامل موارد زیر تعریف کرد:

- نهادینه کردن مدیریت بحران و ایجاد مدیریت توانمند در حوادث و بلایا
- هماهنگی درون بخشی و برون بخشی در نظام مدیریت و بلایا
- ارتقاء دانش تخصصی مدیران اجرایی در زمینه مباحث نظری، آموزشی و پژوهشی مدیریت بحران با ارائه اطلاعات کافی به مدیران و ارتقاء دانش آنها
- ارائه طرح ها و لوایح و پیشنهاد تصویب قوانین مورد نیاز در مدیریت حوادث بلایا
- اطلاع رسانی عمومی و تخصصی در پیشگیری و مقابله با حوادث و بلایا
- تهیه دستورالعمل های اجرایی مدیریت بحران در عرصه بهداشت، درمان حوادث و بلایا
- ارزیابی خطرات بالقوه و راه های پیشگیری از حوادث و بلایا
- آماده سازی جامعه برای رویارویی با شرایط اضطراری



– انتقال تجربیات و نقد و بررسی عملکرد سیستم مدیریت بحران کشور در حوادث بحران های ملی (۴۴:۱۹۹۶، Leslie).

به سبب همین گوناگونی تعاریف و محدودیت سطح آگاهی در عرصه بحران، سیاست سازی و تدبیر بحران ها، هنری نارسا، ناقص و پیچیده است. تدبیر بحران، نیازی مبرم به نظارت و ارزیابی مداوم و توسعه معیارهای تصمیم گیری و مدیریت برای اقدام در زمان بروز و ظهور آن دارد.

از یک دیدگاه، چنانچه یک نظام را ترکیبی سازواره از فرآیندها، کارکردها، نقش ها، ساختار، هنجارها و قواعد، محیط و مدیران تعریف نماییم، ضریب تداوم و ثبات آن به عواملی چند از جمله موارد زیر بستگی دارد:

– توانایی نظام مدیریتی واحد در حفظ و تثبیت مرکز ثقل و یا عامل انسجام، ثبات و مشروعیت بخش خود (از رهگذر تولید و باز تولید مستمر قواعد ایستاری و ارزشی).

– تعریف دقیق عناصر (مؤلفه های) سازنده و پردازنده خود در بستری تنیده شده از روابط متقابل، سازواره، منطقی و کارکردی نسبت به هم.

– ایجاد استعداد بهره وری و یا قابلیت در دسترس بودن (قابلیت تخصیص قدرتمندانه ارزش ها و منابع در سطح جامعه و حراست مقتدرانه از آنها در مقابل حوادث و تهدید زمانه).

– مهندسی دیواره هایی منعطف و تقویت ظرفیت هضم، سمت دهی و یا تطابق با حوادث و متغیرهای محیطی (زبردست، ۱۳۸۰: ۴۶).

بند اول: بررسی رویکردهای نظری مدیریت واحد بحران

انسان از ابتدای تاریخ حیات خود همواره حوادث و فاجعه های طبیعی و غیر طبیعی را، مخرب اوضاع و احوال فردی و جمعی جامعه دیده است. از این رو راه های مختلفی برای شناخت و مقابله



با آنها تعبیه و ابداع کرده است. اما سابقه رویکردهای علمی و تخصصی به فاجعه، به دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بر می‌گردد (براون و همکاران، ۱۳۷۰: ۲۶). در این دوره، فاجعه و سوانح طبیعی (و حتی غیر طبیعی) عمدتاً عامل به تعویق انداختن جریان رشد و توسعه تلقی شده‌اند. از این رو، راه‌های علمی مقابله با آنها به ویژه برنامه‌ریزی‌های مدیریت سوانح، از اولویت‌های نظام برنامه‌ریزی توسعه در کشورها به ویژه ملل بلاخیز دنیا قرار گرفته است. در مراحل اولیه برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، شهری و مدیریت سوانح، عمدتاً بر ابعاد کمی و بُعدی مسایل، سوانح و خسارات اقتصادی و زیر بنایی آن در فضاهای شهری تأکید می‌شد (اسکوبار آرتور، ۱۳۷۷: ۴۵). از این رو، ماهیت و وجه طبیعی و فیزیکی فاجعه‌ها بیشتر به چشم می‌خورد که آن نیز با رویکرد علوم طبیعی قابل شناخت و فهم بود. بعد از مدتی، رویکردهای علوم انسانی و اجتماعی نیز با تأکید بر ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سازمانی سوانح شکل گرفت، به گونه‌ای که در حال حاضر می‌توان از رشته‌های پزشکی، فنی و مهندسی، جغرافیا، زمین‌شناسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، توسعه، مردم‌شناسی و... به عنوان حوزه‌هایی یاد کرد که در امر شناخت و مدیریت سوانح صاحب فعالیت و روش هستند (Montoya & Lorena, ۲۰۰۶: ۱۴۰). در این قسمت برای روشن تر شدن دیدگاه‌ها و روش‌های شناخت و مدیریت سوانح به ویژه در کشور، می‌توان دو دسته رشته‌ها و دیدگاه‌ها را در بررسی سوانح از هم تمییز دهیم:

- ۱- دسته اول: دیدگاه‌های علوم طبیعی، که تحت عنوان «رویکردهای متمرکز» می‌باشند.
- ۲- دسته دوم: دیدگاه‌های علوم اجتماعی، که تحت عنوان «رویکردهای غیر متمرکز» می‌باشند. حال به اختصار ابعاد و روش شناختی هر یک از این دیدگاه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) بررسی رویکردهای متمرکز

در ایران به دو دلیل اصلی، دیدگاه‌های علوم طبیعی شامل پزشکی، فنی و مهندسی، ژئومورفولوژی (زمین‌شناسی، جغرافیا و...) در بررسی و شناخت سوانح غالب هستند. دلیل اول

(ب) رویکردهای غیر متمرکز

بخش سوم: واکاوی علمی مدیریت واحد در بحران ها و حوادث غیرمترقبه
شهری

مدیریت واحد شهری ترکیبی از مسایل مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری است، که هدف آن ایجاد هماهنگی بین برنامه‌ریزی و کنترل طرح‌ها و برنامه‌های شهری است، به گونه‌ای که تدوین و اجرای این برنامه‌ها به شیوه‌ای مطلوب صورت گیرد (Nateghi, ۲۰۰۶: ۶۸).



مدیریت بحران همانند یک میدان نبرد است. در این میدان به یک مرکز کنترل نیاز دارد که مرکب از افرادی است که قوه تمیز خوبی داشته و دارای ویژگی انجام تصمیم گیری سریع و برقراری ارتباط اثر بخش با سایر سازمان‌ها باشد (آرون، ۱۳۶۴: ۸۳).

چنین مرکزی اطلاعات وارده را تجزیه و تحلیل کرده و شیوه ملموس و دقیقی را برای عملیات بر می‌گزیند. با این حال، این مرکز تنها زمانی می‌تواند به خوبی عمل کند که قدرت تصمیم‌گیری داشته باشد، نه اینکه فقط وظیفه توصیه اقداماتی که توسط ساختار سلسله مراتبی سازمان‌های دیگر تحت تأثیر قرار گرفته و عمل نمی‌شود را به عهده داشته باشند. اگر نتایج بهینه‌ای از یک بحران انتظار داشته باشیم، باید بهترین افراد انتخاب شوند، یعنی کسانی که تخصص ویژه‌ای در مسایل مربوط به بحران دارند. همچنین بسیار مهم است که تمام حوزه‌هایی که درگیر این مسأله هستند و یا تحت تأثیرات بالقوه آن قرار می‌گیرند، در این گروه نماینده داشته باشند. یکی دیگر از نقش‌های مهمی که بر عهده گروه بررسی بحران است، تعیین سخنگوی اصلی است که سازمان مدیریت واحد را از پراکنده گویی باز می‌دارد (کاظمی، ۱۳۶۸: ۹۱).

امروزه نظام مدیریت شهری با پدیده‌های جدیدی رو به رو گردیده که نیازمند بازنگری در نظام برنامه ریزی و مدیریت شهرها است. این در حالی است که موج گسترده جهانی شدن و توسعه فناوری ارتباطات در حال دگرگونی مفهوم فضا و زمان می‌باشد (Beck, ۱۹۹۹: ۳۱۷). روند جهانی شدن، مدیریت علمی را برای شهرهای کشور ضروری خواهد ساخت. در این نظام مدیریتی، کلیه وظایف و فعالیت‌های سازمان بر اساس شبکه‌های اطلاع رسانی طراحی و اجراء شده، کارکنان سازمان‌های شهری پیوسته در حال یادگیری و آموزش خواهند بود، و در آن خلاقیت و نوآوری مهمترین وظیفه سازمانی تلقی می‌شود (Paton & Fohnston, ۲۰۰۱: ۹۸).

بنابراین مدیریت واحد در بحران‌های شهری عبارت است از ایجاد ساختاری که پیوند دهنده مجموعه اجزای زنده شهر باشد. این ساختار باید ارتباط مناسبی را بین تمام عناصر زنده شهر، گروه‌های مردمی، سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و غیردولتی به وجود آورد. همچنین مدیر واحد



بحران کسی است که دارای تخصص و اختیارات کافی بوده و قبل از بروز حوادث غیرمترقبه تمام امکانات موجود سخت افزاری و نرم افزاری (ایمن سازی، مقاوم سازی، ساخت وساز و...) را برای تک تک بحران‌های طبیعی آماده نماید (Leslie, ۱۹۹۶: ۵۲). به هر صورت در پایان این بخش باید گفت دامنه فعالیت‌ها در زمینه حوادث غیر مترقبه بقدری وسیع و گسترده است که تقریباً تمام دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی و حتی مردمی را نیز شامل می‌شود و به عبارت دیگر باید اعتراف کرد که در صورت بروز حوادث بزرگ، بدون همکاری متقابل بین مردم و دولت و همچنین نهادهای بین‌المللی، اقدام در این زمینه ناممکن می‌باشد.

بخش چهارم: مدیریت واحد و نقش آن در کاهش آسیب‌پذیری شهرها

حادثه غیرمترقبه از نظر سازمان بهداشت جهانی عبارت است از «هر پدیده اکولوژیک» که دارای شدت زیادی بوده و نیاز به کمک خارج سازمانی برای اداره آن وجود داشته باشد (United Nations Dept. of Public Information, ۱۹۹۶: ۲). بلایای طبیعی در دهه‌های اخیر به چند علت در حال افزایش هستند:

۱- افزایش جمعیت دنیا.

۲- زندگی اکثر این جمعیت در مناطقی است که مستعد به زلزله، سیل و خشکسالی می‌باشند.

برای اینکه بتوان در جریان این حوادث مراقبت خوبی از جامعه انجام داد باید چندین اقدام را در جهت مدیریت بلایا انجام داد:

۱- برنامه‌ریزی برای بلایا.

۲- برنامه‌ریزی برای کاهش بلایا.

۳- برنامه‌ریزی برای ارزیابی سازمان‌ها قبل از ایجاد بلایا.



۴- برنامه ریزی برای پاسخ مناسب در زمان ایجاد بلایا.

۵- برنامه ریزی برای برگشت جامعه به اوضاع عادی (Montoya & Ana, ۲۰۰۶: ۳۲۰).

مهمترین راه حل کاهش آسیب پذیری در برابر بلایای طبیعی ایجاد ستادهای مدیریت بحران و هماهنگی سازمان های مسوول امور مدیریت بحران می باشد. از سوی دیگر افزایش آگاهی مردم در مورد خطرات ناشی از بلایای طبیعی و ایجاد تغییر در رفتار مردم ضرورت دارد (بیج، ۱۹۹۴: ۷۹).

بند اول: گسترش شهرهای امروزی و افزایش آسیب پذیری

سرعت در افزایش جمعیت شهرهای جهان سوم که اغلب بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شد از سویی انفجار در بافت اصلی شهرها را در پی داشته و قطعات وسیعی از آنها را به صورت شتابزده و به دور از برنامه های از قبل تدوین شده به زیر سیطره ساخت و ساز برده است (توسلی، ۱۳۸۴: ۴۷). اینگونه شهرها اگرچه با فرسایش ساختمانی در بافت اصلی خود مواجه بوده ولی قطعات افزوده شده بر پیرامون آنها نیز بدون توجه به طرح تجهیزات زیستی و گسترش معقولانه کاربری زمین پای گرفته اند، اغلب آنها نیز از نظر موقعیتی یا در کانون های زلزله خیز قرار دارند و یا بدون توجه به حفظ حرایم طبیعی و آسیب های احتمالی طبیعی همچون وقوع زلزله، سیل، طوفان شکل گرفته اند. همان گونه که اغلب این مراکز زیستی روز به روز از محیط طبیعی اطراف فاصله بیشتری می گیرند، به همان نسبت نیز در برابر سوانح طبیعی حالتی بی دفاع یافته اند. این مورد لزوم توجه به رعایت تمهیدات لازم در برابر سوانح طبیعی را که سهم عمده ای در کاهش بحران و جلوگیری از صدمات گسترده خواهد داشت، ضروری می سازد (شیعه، ۱۳۸۱: ۶۸۶). گسترش بافت های شهری، دامنه خود را به هر سویی که امکانات رشد شهری فراهم بوده کشانیده است. تپه ها، دامنه کوه ها، حریم رودخانه ها، اراضی پست و مسیل گیر از جمله نقاطی بوده است که تحت سیطره گسترش نامناسب شهری قرار گرفته و در مقابل آنها برنامه ریزی درستی که



خطمشی‌های توسعه شهری را قانونمند سازد، یا وجود نداشته یا با ضعف روبرو بوده است و یا در اثر عدم هماهنگی بین افزایش جمعیت و روند رشد شهری، توان تأمین تمهیدات مقدماتی لازم در برابر سوانح طبیعی را نداشته است (خوش نیک، ۱۳۸۲: ۴۵). ساخت و سازهای ضعیف، عدم اجرای برنامه کاربری زمین، نحوه تأمین نیازمندی‌های عمومی، نحوه استقرار راه‌ها، استقرار تأسیسات زیربنایی و بی‌توجهی به رشد کالبدی شهرها در اراضی نامناسب، همراه با زیرساخت‌های نامناسب‌تر، اینگونه شهرها را به ویژه در جهان سوم با بحران روبرو ساخته است (حمیدی، ۱۳۷۴: ۲۴۰).

بند دوم: تأثیر فرم و بافت شهرها در آسیب‌پذیری آنها

فرم شهر، کلیه مظاهر جمعی و رؤیت‌پذیر شهر می‌باشد که در واقع موجودیت مادی و فیزیکی شهر، افراد و روابط بین آنهاست و تحت تأثیر عوامل بسیاری از قبیل عوامل اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی، قومی، فرهنگی، جمعیتی، فیزیکی و تکنولوژیکی قرار دارد.

بافت شهر، چگونگی ترکیب و طرز قرار گرفتن اجزاء و عناصر شهر می‌باشد. بافت شهرها به همراه شبکه معابر در مواقع بحرانی واکنش متفاوتی دارد، نوع بافت شهرها مهم است (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۵۸).

شناخت عناصر شهری، هنگامی می‌تواند در طراحی شهری و مقابله با بحران مفید واقع شود که رفتار و حالت‌های مختلف این عناصر بررسی و تجزیه و تحلیل شده و امکانات و محدودیت‌های هریک ارزیابی گردد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان کالبد شهر را به صورتی تغییر داد که از صدمات بحران‌های طبیعی جلوگیری کرده و یا آن را به حداقل رساند؟ واکنش هر نوع بافت شهری در هنگام وقوع بحران در قابلیت‌های گریز و پناهگیری ساکنان، در امکانات کمک‌رسانی، چگونگی پاک‌سازی و بازسازی و حتی اسکان موقت، دخالت مستقیم دارد. دامنه



تأثیر این ویژگی‌ها نه تنها در طراحی ساختمان، بلکه در طراحی شهری و در مدیریت بحران نیز گسترده شده و حایز اهمیت است (Paton and Fohnston, ۲۰۰۱: ۲۷).

مشخصات ساخت و ساز درون هر قطعه زمین و شبکه راه‌های فرعی نیز نقش مهمی در کارایی بافت، هنگام وقوع سوانح طبیعی دارند. الگوی همجواری ساخت و سازها و فضاهای باز قطعات مجاور نیز از شاخص‌های دیگر در ارزیابی آسیب‌پذیری و قابلیت بافت شهری است. مشخصه دیگر، ترکیب راه‌ها و قطعات زمین و ساخت و سازها است، که در آن نحوه مجاورت قطعات تفکیکی باگذر، همجواری فضای باز و ساخته شده هر قطعه با گذر و نیز درجه محصوریت معابر مورد بررسی قرار می‌گیرد. قابلیت بافت، الگو و اندازه بلوک‌های شهری و الگوی ترکیب راه‌ها و بلوک‌های شهری، که به همراه نظم قطعه‌بندی‌ها و راه‌های فرعی درون بلوک شهری، در میزان فشردگی یا نظم ساخت و سازهای درون آن مؤثر می‌باشد، و به همین جهت در میزان آسیب‌پذیری بافت تأثیر دارند. الگوی فضاهای باز در کل سطح بافت بخش‌های مسکونی، عامل دیگری در افزایش کارایی بافت هنگام وقوع سوانح طبیعی است (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۵۹).

بند سوم: بافت قدیم شهری و آسیب‌پذیری آن

با بررسی مطالعات انجام شده در بافت‌های قدیم در شهرها در می‌یابیم که مشکلات در بافت قدیم شهرها، برای برنامه‌ریزان شهری از نظر اجتماعی، فرهنگی و کالبدی مشخص شده و همواره بافت‌های قدیم شهری به عنوان معضل مطرح هستند. این مناطق کم‌کم از رونق افتاده است و به تدریج خالی از سکنه گشته و یا بعضاً محلات فقیرنشین در آنها گسترش پیدا کرده است.



جدول تطبیقی احیاء و بازسازی بافت‌های قدیم شهری در کشورهای مختلف

ردیف	شرح	انگلستان	فرانسه	ایتالیا	ژاپن	برزیل	چین
۱	بازسازی به مفهوم تخریب ساختمان‌های فرسوده	*	*	*	*	*	*
۲	بازسازی به مفهوم اصلاح محیط زندگی	*	*	*	*	*	-
۳	بازسازی به مفهوم تغییر جمعیت ساکن در بافت و جایگزینی با جمعیت با درآمد بالاتر	*	-	-	-	*	-
۴	مشارکت مردم محل از نظر سیاستگذاری	-	-	*	*	-	-
۵	مشارکت مردم محل از نظر مالی	*	-	*	*	-	-
۶	مشارکت مردم محل در اجرا	*	-	*	*	-	-
۷	بازسازی به مفهوم تأمین نیازهای روزمره اهالی	*	*	*	*	*	*
۸	بازسازی به معنی از بین بردن فقر و محرومیت اهالی	*	-	*	*	-	-
۹	بازسازی با هدف حفظ هویت محل	*	-	*	*	-	*

۱۰	بازسازی با تعریض و ایجاد معابر	*	*	*	*	*	*
۱۱	بازسازی با اصلاح شبکه تأسیسات زیربنایی	*	*	*	*	*	*
۱۲	بازسازی تدریجی با تدوین ضوابط ساخت و ساز	*	*	-	*	*	*
۱۳	ایجاد ارزش افزوده بر روی اراضی	*	*	*	*	*	*
۱۴	ایجاد اشتغال در بافت	*	*	*	*	*	*
۱۵	بازسازی در جهت جذب توریست	*	*	*	*	*	*
۱۶	مجری خود مردم باشند	-	*	*	-	-	-
۱۷	مجری شهرداری باشد	*	*	*	*	*	*
۱۸	مجری دولت باشد	*	-	-	*	*	*
۱۹	رعایت انصاف با مالکین و ساکنین	*	*	*	*	*	*
۲۰	اجرای بازسازی بافت به صورت درآمد و هزینه	-	*	*	*	*	*

علائم: * مثبت - منفی * - هم مثبت و هم منفی منبع: (قائد رحمتی، ۱۳۸۷: ۳۴).

بند چہارم: زاغہ نشینی و حاشیہ نشینی، آسیب پذیر ترین بخش شہرہا

از آنجا که شهرها در کشورهای درحال توسعه در مقابل خطرات طبیعی بسیار آسیب‌پذیر هستند و بیش از ۴۰ درصد از جمعیت شهری به صورت مستقیم و غیرمستقیم مورد تهدید مخاطرات می‌باشند، در این بین افرادی که در سکونتگاه‌های نامتعارف زندگی می‌کنند، به طور مداوم در معرض مخاطرات قرار می‌گیرند و بیشترین آسیب‌پذیری را دارند. هنگامی که بلایای محیطی این مناطق و نواحی را هدف می‌گیرند، هزینه‌های شهری و اجتماعی زیادتر می‌شود (فاندرحمی، ۱۳۸۷: ۳۵). لذا همه این عوامل آسیب‌پذیری این مناطق را در برابر مخاطرات طبیعی افزایش می‌دهد.



بند پنجم: بلند مرتبه سازی و نقش آن در آسیب پذیری شهری

تحول شهرسازی که با عصر صنعتی کردن شهرها شروع شد، هنوز در بسیاری از نقاط دنیا ادامه دارد. مردم از مناطق روستایی به مناطق شهری کوچ کرده و بدین وسیله باعث افزایش تراکم جمعیت در شهرها گردیدند. تکنولوژی با ارائه سازه فولادی سبک وزن، آسانسور و سیستم های تهیه انرژی لازم برای شهر قائم با تراکم زیاد به این فشار عکس العمل نشان داد (Marfleet & Kiely, ۲۰۰۰: ۷۹).

توسعه فیزیکی شهر در سطح افقی به سبب محدودیت های ناشی از موقعیت طبیعی شهر، وجود بافت تاریخی و همچنین به دلیل افزایش سطح زیر پوشش خدمات شهری، در حد محدودی امکان پذیر است. بنابراین محدودیت های توسعه فیزیکی از یک طرف و نیاز به تولید مسکن در مقیاس وسیع از طرف دیگر، ضرورت احداث ساختمان های بلند و لذا انجام تحقیقات در مورد اصول حاکم بر این گونه ساختمان ها را الزامی ساخته است (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۶: ۷). از میان حوادث طبیعی و غیر طبیعی، دو حادثه زلزله و آتش سوزی در ساختمان های بلند بیش از همه حایز اهمیت است (اسمیت، ۱۳۸۲: ۶۱). در کشورهای پیشرفته، که دارای حجم وسیعی از مقررات ساختمانی هماهنگ و دقیق هستند، اهمیت و نیاز تدوین مقررات در زمینه مسایل عمومی معماری ساختمان مطرح و مقررات مربوط به بخش های سازه، تأسیسات مکانیکی برق و...، همگی به عنوان اجزایی از مقررات ساختمان تدوین گشته اند، که اساساً از دیدگاه اجرای ساختمان به طور کلی بررسی و تهیه می شود (Roberts, ۱۹۸۸: ۸۳).



بند ششم: تأثیر کاربری اراضی شهرها در آسیب‌پذیری آنها

بسیاری از افراد بر این عقیده هستند که طبیعت، در اصل خود فاجعه‌آفرین نیست، بلکه این روش‌های برخورد نادرست با طبیعت است که به بروز فاجعه‌های انسانی و اقتصادی در سکونتگاه‌ها منجر می‌شود (دورانت و آرلی، ۱۳۷۴: ۳۸). امروزه شهرهایی وجود دارند که با انبوهی از جمعیت در مناطق طبیعی مخاطره‌انگیز قرار گرفته‌اند، ولی با توجه به رعایت اصول و ضوابط شهرسازی و نظامات ایجاد ساختمان و تأسیسات زیربنایی میزان مخاطرات و آسیب در آنها محدود گردیده است (Weber, ۱۸۹۹: ۱۷۵). در دنیای امروز مفهوم توسعه پایدار از جامعیتی سخن می‌گوید که دامنه آن علاوه بر حفظ محیط زیست طبیعی و رفع نارسایی‌های اجتماعی و اقتصادی، به چگونه ساختن و درست برپای کردن زیستگاه‌های بشری مربوط می‌گردد. دستاوردهای کنفرانس جهانی اسکان ۲ که در سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶) در شهر استانبول برگزار شد، چنین مفهومی را ترویج می‌کرد.

یکی از اساسی‌ترین زمینه مطالعات در برنامه‌ریزی شهری، به برنامه‌ریزی نحوه استفاده از اراضی و تهیه نقشه کاربری زمین باز می‌گردد. منظور از برنامه‌ریزی نحوه استفاده از اراضی، انجام مطالعات جامع و فراگیر در زمینه تعیین موقعیت هریک از کاربری‌های شهری است (Smith, ۱۹۹۶: ۲۸). در این مورد باید نسبت به تدوین ساختار فضایی و سلسله مراتب استقرار حیات و فعالیت و خدمات در سطح شهر اقدام نمود و جایگاه هر فعالیت شهری را به نسبت سطح نیاز و توان‌های طبیعی و اقتصادی و اجتماعی تحت برنامه‌ریزی قرار داد؛ تعیین سرانه‌های شهری، تراکم‌های خالص و ناخالص جمعیتی و تراکم‌های ساختمانی تابعی از شرایط کاربری زمین محسوب می‌شود. در این برنامه‌ها رعایت حریم‌های طبیعی و مصنوعی، موقعیت تأسیسات زیربنایی مانند شبکه‌های آب و برق و گاز و فاضلاب و تلفن و حریم مربوط به آنها، از جمله اصول برنامه‌ها می‌باشد. به همان اندازه نیز موقعیت اماکن مسکونی، تأسیسات رفاهی، مراکز تجاری و رفاهی و تحصیلی باید طبق الگوهای مناسبی قرار داشته باشد. (شعیه، ۱۳۸۰:



۸۱). برنامه‌های کاربری زمین دارای آیین‌نامه‌ها و ضوابطی است که رعایت آنها در ابعاد مختلف اجتماعی فرهنگی، اقتصادی، طبیعی و اقلیمی ضروری می‌باشد.

بخش پنجم: تکنیک‌های تدبیر مدیریت بحران در کشورهای پیشرفته

جهت بهره جستن از تکنیک‌های مورد استفاده تدبیر بحران در کشورهای پیشرفته، مطالعاتی صورت گرفته که در نتیجه می‌توان این تکنیک‌ها را در دو دسته مشخص زیر مورد توجه قرار داد:

الف-تکنیک‌های پیشگیرانه: از یک منظر کلان استراتژیک، در اجرای عملکردهای واکنشی، استراتژی‌های مقابله با بحران باید به گونه ای طراحی و انجام شود که جلوی وقوع حوادث تکراری و پیدایش زمینه‌های مربوط به آن را بگیرد (آرون، ۱۳۶۴: ۳۳). دانشمندان کشورهای پیشرفته همواره در اندیشه تمهیداتی نظری و عملی جهت مهندسی جامعه ای امن، با ضریب بحران زایی پایین می باشند.

ب-تکنیک‌های تلفیقی: برخی از کشورهای پیشرفته، ترکیبی از تکنیک‌های گوناگون را در مراحل مختلف یک بحران بدست داده اند. این کشورها تدبیر بحران را در سه مرحله مشخص مورد توجه قرار داده اند:

- قبل از بحران (تعیین و پیش بینی کانون بحران، اقدامات اصلاحی جهت جلوگیری از بروز بحران، شناسایی نقاط بحران زا یا حل معضلات خاص).

- حین بحران (انجام اقدامات تکمیلی، هماهنگی ارگان‌های ذیربط، ایجاد جریان موازی، خنثی کردن تهدیدات ویژه).

- بعد از بحران (تدوین تجارب و ...) (Smith, ۱۹۹۹: ۴۳).





در ایالات متحده آمریکا، برای تدبیر بهینه بحران‌ها، مدلی چهار لایه را ارائه نموده‌اند؛ در این مدل چهار عامل نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌نمایند. عامل اول انسان، رفتار و شخصیت اوست که می‌تواند در مقابله با بحران یا برخورد انفعالی با بحران نقش داشته باشد. تلاش‌های مدیریت در مقابله با بحران به میزان زیادی وابسته به افرادی است که در سازمان کار می‌کنند، افراد و اعضای سازمان هسته اصلی مدیریت محسوب می‌شوند (Langsley & Others, ۲۳: ۱۹۶۸).

لایه دوم در مدیریت بحران نشانگر فرهنگ جامعه است. فرهنگ جامعه بحران‌ستیز، فرهنگ عقلایی و منطقی است و دارای باورهایی است که ایجاد تغییر، غلبه بر بحران و کنترل آن را ممکن می‌داند و فرهنگ جامعه بحران‌پذیر، فرهنگ قضا و قدر و ناتوانی انسان در مقابله با بحران‌هاست.

در لایه سوم، ساختار ارتباطی در بحران مد نظر می‌باشد. ارتباط واحدها با هم، میزان پیچیدگی، تمرکز، اختیارات، سلسله مراتب، اندازه و تکنولوژی مورد استفاده، نیروهای کنترل‌کننده، می‌تواند در بحران‌ستیزی یا بحران‌پذیری سازمان مؤثر باشد.

لایه چهارم که لایه آخر خارجی مدل مدیریت بحران این کشور می‌باشد، شامل استراتژی و خط مشی‌ها و شیوه‌های مقابله در مدیریت بحران می‌باشد. برنامه‌ها، سیاست‌ها و روش‌هایی که برای مقابله با بحران تنظیم شده‌اند در این لایه قرار دارند (<http://www.Fema.org>).

با توجه به مدل چهار لایه‌ای مدیریت بحران، لازمه توفیق در تدبیر بحران، موافقت در لایه چهارم، یعنی اتخاذ سیاست‌های جامع و مبتنی بر افق‌های بلند زمانی و مکانی، می‌باشد.

علاوه بر این، آموزش و آگاه‌سازی اعضای جامعه شهری در مورد مسئولیت‌های فردی برای حفاظت از خود و ارتقای آمادگی، در برابر بلاهای طبیعی، اهمیت بالایی دارد. تبلیغات،



آموزش‌های عملی و انجام مانورهای شهری می‌تواند سطح آگاهی و مشارکت مردم را افزایش دهد و توانمندی شهروندان در مقابله با بحران‌ها را تقویت کند.

این مجموعه اقدامات و راهکارها، در کنار برنامه‌ریزی پیشگیرانه و تقویت ساختارهای مدیریتی، نقش مهمی در کاهش آسیب‌پذیری شهرها و ارتقای ایمنی جامعه شهری دارد.



منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- ۱- آرون، ریموف، ۱۳۶۴، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر شرکت سهامی.
- ۲- آلبرسیزن، ن، ملوین، ج، ۱۳۷۰، تاریخ زمین لرزه های ایران، ترجمه رده، ایمان، انتشارات آگاه، دانشگاه تهران.
- ۳- اسکوبار، آرتور، ۱۳۷۷، برنامه ریزی در: نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه فرید فرهی و وحید بزرگی، تهران نشر مرکز.
- ۴- اسمیت، کیت، ۱۳۸۲، مخاطرات محیطی، ترجمه محمد علیشاهی، انتشارات سمت، تهران.
- ۵- اشرف، احمد، ۱۳۵۳، فونکسیونالیسم، نامه علوم اجتماعی، دوره اول، شماره ۴.
- ۶- اذانی، مهری، ۱۳۸۱، توسعه پایدار شهری: مورد شهر اصفهان، پایان نامه دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
- ۷- اینگههارت، رنالد، ۱۳۷۷، نوسازی و پسا نوسازی، ترجمه علی مرتضویان، ارغنون، شماره ۱۳.
- ۸- بحرینی، سید حسین، ۱۳۷۶، شهرسازی و توسعه پایدار، مجله رهیافت، شماره ۱۷.
- ۹- براون، لستر و همکاران، ۱۳۷۰، وضعیت جهان، ترجمه حمید طراوتی، تهران، نشر ژرف.
- ۱۰- براتی، داود، ۱۳۸۳، ایمنی کلان شهر تهران و مدیریت بحران، مجموعه مقالات کارگاه مشترک ایران و ژاپن، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، صص ۳۴۴-۳۳۱.



- ۱۱- بل، دانیل، ۱۳۸۰، جامعه فرا صنعتی در راه، ترجمه سپیده گوران، جامعه سالم، شماره ۱۲.
- ۱۲- بیچ، الن، ۱۹۹۴، مدیریت جامع کیفیت برای آموزش، ترجمه ابوالفتح لامعی، تهران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- ۱۳- تروورجی، پاول سیمونجی وانرایت، ۱۳۷۷، فشار روانی، اضطراب و راه‌های مقابله با آن، ترجمه عباس بخشی‌پورو حسن صبوری مقدم، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۴- توسلی، محمود، ۱۳۸۴، تداوم حیات در بافت‌های قدیمی شهرهای ایران، دانشگاه علم و صنعت، تهران.
- ۱۵- پاکزاد، ح، اجل لوثیان، رسول، ۱۳۸۰، مکانیسم حرکت ماسه‌های بادی در منطقه شرق اصفهان، مجله پژوهش دانشگاه اصفهان، جلد پانزدهم، شماره ۲، صص ۳۰-۴۹.
- ۱۶- پور محمدی، محمد رضا، مصیب زاده، علی، ۱۳۸۷، آسیب‌پذیری شهرهای ایران در برابر زلزله و نقش مشارکت محله ای در امداد رسانی آنها، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۲.
- ۱۷- جمی، نسرین، ۱۳۸۵، بررسی خصوصیات زمین شناسی مهندسی نهشته های کواترنری در شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم، گروه زمین شناسی، دانشگاه اصفهان.
- ۱۸- حافظ نیا، محمد رضا، ۱۳۷۱، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۹- حبیبی، سید محسن، ۱۳۷۵، از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۲۰- حبیبی، سید محسن، مقصودی، فاطمه، ۱۳۸۱، مرمت شهری، انتشارات دانشگاهی.



۲۱- حسنی، نعمت، ۱۳۸۴، ضرورت بازنگری در مدیریت بحران زلزله در ایران، مجموعه مقالات کارگاه مشترک ایران و ژاپن، (۵-۷ مهرماه ۱۳۸۳)، نشریه شماره ۲۹۸، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، صص (۳۷-۴۹).

۲۲- حسین زاده دلیر، کریم، ۱۳۸۶، روزنامه جام جم، سال هشتم، شماره ۲۰۰۸.

۲۳- حمیدی، ملیحه، ۱۳۷۴، ارزیابی الگوهای قطعه بندی اراضی و بافت شهری در آسیب پذیری مسکن از سوانح طبیعی، مجموعه مقالات سمینار سیاست های توسعه مسکن در ایران، ۱۳- ۱۱ مهر ماه ۱۳۷۳ دانشگاه تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم.

۲۴- حیدری تفرشی، غلامحسین و دیگران، ۱۳۸۱، نگرشی نوین به نظریات سازمان و مدیریت در جهان امروز، انتشارات فرا شناختی اندیشه، تهران.

۲۵- خوب آیند، سعید، ۱۳۸۴، تحلیل فضایی علل شکل گیری حاشیه نشینی در شهر اصفهان، پایان نامه دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.

۲۶- خوش نیک، زهره، ۱۳۸۲، بناهای ناهماهنگ، سیمای شهر امروز، ماهنامه پژوهشی، آموزشی، اطلاع رسانی بر نابرابری ها و مدیریت شهری شهرداریها، سال چهارم، شماره ۴۸، سازمان شهرداریهای کشور.

۲۷- دفتر آمار و اطلاعات استانداری اصفهان، ۱۳۸۸، تحلیل تطبیقی نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ استان اصفهان.

۲۸- دورانت، ویل و آریل، ۱۳۸۴، تاریخ تمدن، ترجمه ضیاءالدین علایی طباطبائی، چاپ دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.



۲۹- رابرتسون، رونالد، ۱۳۸۰، جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران، انتشارات ثالث.

۳۰- رامشت، محمد حسین، ۱۳۸۰، تحولات ژئومورفولوژیک تاریخ طبیعی شهر اصفهان در دوران چهارم، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، مشهد، شماره ۶۰.

ب) منابع لاتین:

۳۱- Ambraseys, N. N. and Melville, C. P. ۱۹۸۲, A history of Persian earthquake, Cambridge, earth science series.

۳۲- Beck, Ulrich, ۱۹۹۲, "Risk society: Toward a New Modernity", London, SAGE. Pub.

۳۳- Beck, Ulrich, ۱۹۹۵, the Reinvention of Politics; Toward a Theory of Reflexive Modernization, in: Reflexive Modernization by Beck U. Giddens A: Lash. S. , polity press.

۳۴- Beck, Ulrich, ۱۹۹۹, World Society: Black Well, Polity press.

۳۵- Ocha: United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs, ۱۹۹۵, The use of Military and Civil Deffence Assests in Relief Operation. <http://www.ochaonline.un.org/>

۳۶- Paton, Douglas and Fohnston, David, ۲۰۰۱, Disaster and communities: Vulnerability, resilience and preparedness, disaster prevention and management, volume ۱۰, number ۴, MCB University, ISSN ۰۹۶۵-۳۵۶۲.



لوگو سازمان ها و نهادهای علمی، سیاسی و دولتی حامی معتبر هفتمین همایش ملی بیژن و هتر ها علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

اگانت ایتا و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله
Ghanonyar@YAHOO.COM
۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

۱۴۰۳/۱۲/۰۸
دانشگاه رازی - سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی

جهت همکاری در برگزاری همایش با دبیر اجرایی تماس بگیرید:
خانم دکتر شهلا رضایی ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵